

اندیشه من، آنچه که من می خواهم باشم، همانم که اکنون هستم

پیش از آن که چهره زشت طرف مقابل را به تصویر بکشی، یک بار تصویر واقعی خود را در آینه ببین!

بجای فکر بد، پندار نیک را پیشه کن

بجای نشستن در تاریکی، در جستجوی روشنی برآی

بجای دنباله روی راه و رسم دیگران، طرح نو بساز و راهروی خوبی راه و اندیشه خوب خود باش

بجای داشتن دوستان مجازی، در پی یافتن دوستان حقیقی برآی*

بجای تظاهر کردن، حقیقت باطن هستی وجودت را به دوستان و اطرافیان تظاهر بساز

بجای قطع ریشه درختان و گیاهان، جهالت و بنیادگرایی را از کوی و برزن و شهر و دیار خود ریشه کن بساز

بجای قهرمان سازی، خود قهرمان شهر خود شو، خود حماسه بیآفرین

بجای خودخواهی، مردمخواه و آزادیخواه باش

بجای تبار محوری، فراقومی فکر کن و از درد انسان مظلوم در هر جایی که است حرف بزن

بجای پناه بردن و چسبیدن به افتخارات گذشته، از علم و دانش امروز و دیروز استفاده لازم کن

بجای فخر فروشی و افتخار به نیاکان و گذشتگان، سعی کن تا فرزندان امروز به عملکردها و دستاوردهای خوب تو افتخار کنند.

و در یک کلام، بجای آن که قوم پرستی را پیشه خود بسازی، چه نقص دارد؟ خدابپرست باش و وطن و هموطنت را عاشقوار دوست بدار!

اعتقاد به یگانگی خدا و عشق به انسان جوهر اصلی انسانیت است.

*بعضی از فیس بوکیان صدها و هزاران دوست مجازی در صفحه رخنمای فیس بوک خود دارند؛ اما تا هنوز همت نکرده اند که یک دوست حقیقی داشته باشند.

متأسفانه همسالان من و نسل کهن تر از من غالباً انتقاد پذیر نمی باشند و آنطوری که تجربه نشان داده است از مشوره هم چندان خوشش شان نمی آید، نمی خواهم با نشانی گرفتن عده ای که روز و شب غرق دنیای مجازی اند خدای ناخواسته باعث ملالت خاطر کسی شوم، بنابراین جوانان روی سخنم باز هم به بسوی شما عزیزان است، به شما آینده سازان که وطن تان را از جان و دل دوست دارید، فقط به شما همین قدر گفتنی ام که بهتر است به عوض لایک و لایک بازی در فیس بوک و گشت و گذار زیاد در انترنیت یک کمی وقت خود را روزانه با مطالعه کتاب و همچنان بخواندن آثار و نوشته های منظوم و منثور مشاهیر علم و ادب (کلاسیک و نو) بگذرانید و وقت گرانبهای خود را بیهوده با دوستان دوپهلوی و اشخاص و افراد بی خاصیتی که بعضی های شان هنوز هم با واسکت های تعصب، مانند انتحاریون در انترنیت زیر برقع سنگر گرفته اند، ضایع نسازید.

«از حقیقت بر تو نگشاید دری – زین مجازی مردمان تا نگذری»

با درود و مهر فراوان ضیا باری بهاری